



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر

اپریل ۲۰۱۷

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه اپریل، دو موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. هفتادمین هفته‌ی دانیال

۲. پیش وجودی پسر

هفتادمین هفته‌ی دانیال

^{۲۴۱۱} هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدست مقرر می‌باشد، تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسد و کفار به جهت عصیان کرده شود و عدالت جاودانی آورده شود و رویا و نبوت مختوم گردد و قدس الاقداس مسح شود. ^{۲۵} پس بدان و بفهم که از صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و (اورشلیم) با کوچه‌ها و حصار در زمان‌های تنگی تعمیر و بنا خواهد شد. ^{۲۶} و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود، بلکه قوم آن رئیس که می‌آید، شهر و قدس را خراب خواهند ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابی‌ها معین است. ^{۲۷} و او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت و در نصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد و بر کنگری رجاسات خراب کننده‌ای خواهد آمد، والی‌النهایت آنچه مقدر است بر خراب کننده ریخته خواهد شد. "دانیال ۹: ۲۴-۲۷"

صرف نظر از دیدگاه شما در مورد این موضوع، این موضوعی است که احساسات مردم را بر می‌انگیزد. هر طرف می‌گویند که حقیقت کاملاً آشکار است. بیاید مستقیماً به آیات نگاه کنیم و مسائلی را که مورد مناقشه است بررسی کرده و دیدگاه هر طرف را به وضوح ارائه دهیم. سپس به آنچه برادر برانهام گفت، نگاه خواهیم کرد و سعی خواهیم کرد با دقت به آنچه تعلیم داده شده است، اشاره کنیم.

برای کوتاه کردن سخن، تکرار مکررات نخواهیم کرد. هر هفته در مورد هفت سال سخن می‌گویند، کل آن ۴۹۰ سال می‌شود. از زمان صدور فرمان برای تعمیر و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح رئیس ۶۹ هفته است، یا ۴۸۳ سال. آیات از سه وقفه سخن می‌گویند؛ ۷ هفته، ۶۲ هفته و یک هفته. هفت هفته، آغاز هفتاد هفته می‌باشد. ۶۲

هفته در مابین و یک هفته در انتها. آیه ۲۶ می‌گوید: "و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود."

سپس در آخرین بخش آیه ۲۶ می‌خوانیم: "... بلکه قوم آن رئیس که می‌آید شهر و قدس را خراب خواهند ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابی‌ها معین است." امپرتوری روم تحت سلطه‌ی امپراتور و سپاسیان و تیتوس، معبد و شهر را نابود کرد. این اتفاق در سال ۷۰ میلادی رخ داد. در هفتادمین هفته‌ی دانیال، در مورد دو رئیس صحبت می‌شود؛ آیه ۲۵ می‌گوید: "مسیح رئیس" و آیه ۲۶ از «قوم آن رئیس که می‌آید» سخن می‌گوید. این به ضد مسیحی اشاره داد که از روم می‌آید.

دیدگاه اول: سه سال و نیم باقی مانده

آیه ۲۷ جایی است که اختلافات بسیاری رخ می‌دهد. "و او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت." «او» که در این آیه در موردش صحبت می‌شود، کیست؟ این آیه نمی‌تواند در آن واحد در مورد «رئسی که می‌آید» و «مسیح رئیس» باشد. برای کسانی که باور دارند، سه سال و نیم وقت، تنها برای یهودیان است. باید گفته شود که این باید بعنوان «مسیح رئیس» درک شود. بنابراین این امر نشان می‌دهد که «مسیح عیسی رئیس» برای یک هفته با یهودیان پیمان بست که در میان این هفته هدیه و قربانی را موقوف خواهد کرد. این به معنای اثرگذاری است.

دیدگاه دوم: یک هفته‌ی باقی مانده

توجه داشته باشید که کتاب مقدس در هیچ کجا نمی‌گوید که «مسیح رئیس» در

میان هفته منقطع خواهد شد، بلکه بعد از آن شصت و نه هفته منقطع گردید. «مسیح رئیس» در روزی آمد که با الاغ وارد اورشلیم شد. این چیزی است که برادر برانهام در موعظه‌ی «هفتادمین هفته‌ی دانیال» به ما تعلیم داد.^۱

آیه ۲۷ می‌گوید که او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت. کسانی که معتقدند هفت سال یا یک هفته، زمان برای یهودیان باقی مانده است، تعلیم می‌دهند که مسیح بعد از آن شصت و نه هفته منقطع گردید. شخصی که در یک هفته عهد را استوار می‌کند «رئسی است که می‌آید»، ضد مسیح روم است. معبد بازسازی شده و قربانی و هدایا بازگردانده شده است، عهد صلح برای هفت سال استوار می‌شود. در میان آن هفته، دو نبی کشته می‌شوند و قربانی‌ها و هدایا پایان می‌یابد، چون ضد مسیح، عهد را شکسته و با یهودیان وارد جنگ خواهد شد.

می‌خواهم صریح باشم، من نمی‌خواهم اشخاصی را که به یکی از این دو دیدگاه باور دارند، غیر مسیحی خطاب کنم. هر یک از طرفین دارای نقل قول‌هایی برای اثبات نظر خویش است و استدلال‌های کتاب مقدسی برای صحیح نشان دادن نظریه‌ی خود دارند. می‌خواهم آنچه را که خود برادر برانهام در این مورد بیان کرد، بررسی کرده و از هر دو آنها نتیجه‌گیری کنم. سپس نظر شخصی خودم را در این مورد به شما خواهم گفت. شما می‌توانید آن را بپذیرید یا رد کنید.

^۱ "حال، می‌دانیم که از زمان صدور فرمان بازسازی شهر ماشیح می‌بایست هفت هفته باشد. هفت، این اولین است، اولین، همین‌جا. هفت هفته و شصت و دو هفته، که مجموعاً می‌شود شصت و نه هفته. شصت و نه هفته که هفت برابر شصت و نه هفته می‌شود ۴۸۳ سال. بنابراین ماشیح، اکنون به این بخش می‌رسیم، تا مسیح می‌بایست ۴۸۳ سال زمان باشد. حال، حال عیسی، ماشیح، فاتحانه سوار بر کره الاغی و بر برگ درختان خرما، در تاریخ ۲ آپریل سال ۳۰ بعد از میلاد وارد اورشلیم شد. عیسی یکشنبه، دوم آپریل سال سی به اورشلیم وارد شد." ۶۱-۸۰، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

"چنین بوده، اما خدا هرگز آنها را فراموش نکرد و با این حال سه سال و نیم فرصت دارند که به آنها موعظه شود. مسیح باید می‌آمد و نبوت می‌کرد، در میان هفتادمین هفته‌ی دانیال، باید منقطع می‌شد و چنین نیز شد، او به تنهایی سه سال و نیم برای یهودیان موعظه کرد. او هرگز به سمت امت‌ها نرفت، بلکه به سوی یهودیان رفت. با این حال سه سال و نیم برای آنها باقی مانده است، سه سال و نیم از موعظه‌ی انجیل و مصالحه با مسیح."^۲

"سپس زمان به امت‌ها داده شد و آنها به این عصر آمدند. پس سه سال و نیم زمان برای یهودیان وجود دارد. حال اگر به مکاشفه ۱۱ برویم، در انتهای آن به دقت خواهیم دید (کلیسا تا باب ۱۹ کتاب مکاشفه پدیدار نمی‌شود). در انتهای آن، ایلیا و موسی باز خواهند گشت و برای یهودیان موعظه خواهند کرد."^۳

[**یادداشت من:** این امر روشن است که پیش از وعظ "هفتادمین هفته‌ی دانیال"، برادر برانهام تعلیم داد که تنها سه سال و نیم برای یهودیان باقی مانده است.]

"خوب، خدا دقیقاً مطابق آنچه که گفته بود انجام خواهد داد، در این شصت و نه هفته یا ۴۸۳ سال با آنها انجام داد، ولی در شصت و نه هفته و کماکان یک هفته باقی مانده است. هنوز یک هفته از آن مقدر نگشته است."^۴

"اکنون، اگر هریک از این هفته‌ها دقیقاً هفت سال بوده و ما در حال حاضر شصت و نه هفته را پشت سر گذاشته‌ایم، پس دوره‌ی امت‌ها را داشته‌ایم، و یک هفته‌ی دیگر برای یهودیان باقی مانده است. درست است؟ و آن دقیقاً هفت سال است. اگر این هفت

^۲ A0۷1۸-0۵۴، احیای بزرگ آینده و بارش روح القدس، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۳ M1۲1۱-۶۰، ده باکره و صد و چهل و چهار هزار یهودی، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۴ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

سال بوده، آن هم هفت سال خواهد بود، زیرا او گفت: "هفتاد هفته برای قوم تو مقدّر می‌باشد." پس می‌دانیم که هفت سال برای یهودیان باقی است. درست است؟ حالا به اینجا نگاه کنید. اگر سؤالی هست بگویید. می‌بینید؟

حال، در وسط هفته... می‌بینید؟ در وسط این هفته‌ی یهودی که سه سال و نیم می‌شود، ضد مسیح، رئیس، یک رئیس که باید بیاید... و یادتان باشد، او از روم بیرون می‌آید. رئیسی که باید بیاید. او چیست؟ یک پاپ، یک رئیس در بین قوم... فرعون‌ی خواهد برخاست که یوسف را نمی‌شناسد.

حال، شما پروتستان‌ها می‌گویید: "خوب، همین است." ولی یک دقیقه صبر کنید. متوجّه می‌شویم که پروتستان‌ها دارای یک تشکیلات هستند. یک کنفدراسیون کلیساها را می‌سازد، تمثال یک وحش، و با آن حرکت می‌کنند، و متوجّه می‌شویم که یهودیان به این کنفدراسیون دعوت شده‌اند. بله آقا! آنها موافق هستند و کتاب مقدس گفته که چنین است.

و او با آنها عهد می‌بندد و در وسط هفتادمین هفته، او، ضد مسیح، عهد خود را با یهودیان می‌شکند. «قوم تو»، چرا؟ زمانی که در مکاشفه ۱۱ می‌خوانیم که: "... خواهام فرستاد... این ۱۱ است و تا ۱۹ پیش می‌رویم: "که او دو نبی خویش را خواهد فرستاد، و آنها در آن زمان نبوت خواهند نمود." ^۵

"سپس من پیشگویی کردم که... هرگز نگفتم که خدا این را به من گفت، ولی آن روز صبح در کلیسا ایستاده بودم و گفتم: "این طور که پیش می‌رود..." به یک سمت دیوار رفتم، به سمت دیگر دیوار دویدم و گفتم: "پیشگویی می‌کنم که زمان رخ

^۵ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

دادن... "نمی‌دانم چرا دارم این را می‌گویم، اما... "پیشگویی می‌کنم که همه‌ی این اتفاقات مابین امروز یعنی سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۷۷ رخ خواهد داد." این را نمی‌دانستم. خدا از قلب من خبر دارد. تا دیروز اصلاً متوجه این نبودم که سال ۱۹۷۷ سال یوبیل است و دقیقاً مقدار زمانی که او با اسرائیل و همه چیز آن به آخر رسید. پس ما در... ما اینجا در پایان دوره هستیم، آمدن هفتادمین هفته. نمی‌دانیم کلیسا در چه زمانی ربه خواهد شد. اوه، خدای من! دوستان! چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ کجا هستیم؟"^۶

"حال به اینجا توجه کنید. در وسط هفته، سه روز و نیم، سه سال و نیم، عهد را نقض خواهد کرد و سبب خواهد شد قربانی و هدایا که هم اکنون برقرار است را... زیرا آنها بازگشت نموده و خواهند گفت: "نگاه کنید. شما همه کلیسا هستید. شما می‌توانید در این تمثال و در وحش پذیرفته شوید. ما کمونیس را از بین خواهیم برد. آن را محو خواهیم نمود." می‌بینید؟ و آنها قادر به این کار خواهند بود. می‌بینید؟ و این کار را خواهند کرد."^۷

"لحظه‌ای که او آن هفتادمین هفته و یا هفت سال را آغاز کند، کلیسا رفته است. دوستان! قادر به درک این هستید؟ اگر درک می‌کنید، دستتان را بلند کنید."^۸

"لحظه‌ای که او هفتادمین هفته یا هفت سال را آغاز کند، کلیسا رفته است. حال گوش کنید، دوباره می‌گویم، دوباره می‌گویم تا فراموش نکنید. این چیزی است که وقتی در حال نوشتن بودم روح القدس آن را در قلبم گذاشت."^۹

^۶ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

^۷ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

^۸ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

^۹ ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

[یادداشت من: این کاملاً واضح است زمانی که برادر برانهام این موضوع را مطالعه کرده و تعلیم می‌داد، او وارد جزئیات بسیاری شد تا نشان دهد آیه ۲۶ مسیح رئیس است و آیه ۲۷ ضد مسیح است که با یهودیان عهد می‌بندد و آن را در میان هفته می‌شکند. سپس او می‌گوید زمانی که هفته‌ی هفتم‌آغاز می‌شود، کلیسای عروس ربوده خواهد شد. او سپس می‌گوید: "این چیزی است که روح‌القدس در زمان نوشتن آن، من را هدایت کرد."

"مسیح سه سال و نیم نبوت کرد و سپس موقوف شد، رئیس در میان هفته‌ی هفتم‌آغاز. هنوز هم سه هفته و نیم باقی مانده است. و ما متوجه دو نبی مکاشفه می‌شویم (او هرگز دوباره رادایش را عوض نخواهد کرد). آنها در مکاشفه باب ۱۱ نازل می‌شوند و برای یهودیان نبوت می‌کنند. حال، کلیسا در این زمان ربوده خواهد شد." ۱۰

"و او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت... (حال تماشا کنید)... و در نصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد... و بر کنگره رجاسات خراب‌کننده‌ای خواهد آمد والی‌النهایت آنچه مقدر است بر خراب‌کننده ریخته خواهد شد. [توجه: این برادر برانهام است که دانیال ۲۷:۹ را می‌خواند و در موردش نظر می‌دهد.] نگاه کنید. آه، او چه زیرک است. او اینجاست. حال، ما موضوع را درک کرده و می‌دانیم که آن روم است. ما می‌دانیم که او سوار اسب سفید است. ما می‌دانیم که او بعنوان یک داکترین پیش رفت. و سپس روم بت پرست چه بود؟ او تبدیل به پاپ روم شد و تاجگذاری کرد. حال، تماشا کنید. در زمان آخر، نه در زمان‌های پیشین که مسیح موعظه می‌کرد، بلکه در زمان آخر، آخرین بخش هفته، جایی که ما هفتادمین هفته‌ی دانیال را برداشت کرده‌ایم؛ مسیح برای سه سال و نیم

۱۰ ۶۳-۱۱۶، پیام آور شب، برادر ویلیام ماریون برانهام

نبوت کرد و با این حال سه سال و نیم دیگر مقدر شده است. درست است؟ و این رئیس در آن زمان با قوم دانیال عهد می‌بندد، یعنی با یهودیان. این زمانی است که عروس ربوده خواهد شد. او آن را نخواهد دید. توجه داشته باشید. در آخرین نیمه‌ی هفته‌ی دانیال، مردم عهد می‌بندند، این رئیس با روم عهد می‌بندد؛ بدون شک برای ثروت با آنها عهد می‌بندند، چون کاتولیک و یهودی ثروت دنیا را در دست دارد.^{۱۱}

[**یادداشت من:** لطفاً درک کنید، اکنون که من این مقاله را می‌نویسم، به محقق شدن ملاکی باب ۴، مکاشفه باب ۱۰، لوقا ۱۷:۳۰، تسالونیکیان ۱۶:۴ و غیره توسط خدمت برادر برانهام اعتقاد راسخی دارم. من به اثبات خدمت او ایمان دارم و این که ما باید تعالیم اثبات شده‌ی او را پذیرفته و خود را تسلیم کنیم. حال، برادر برانهام به آنچه که پیش از اشاره‌ی مستقیم موضوع هفتادمین هفته‌ی دانیال تعلیم داده بود، بازگشت. او می‌گوید که سه سال و نیم برای یهودیان وقت باقی مانده است، اگرچه او پیش از آن گفته بود که روح القدس به او نشان داده است زمانی که هفتادمین هفته آغاز می‌شود، کلیسا ربوده خواهد شد. سپس می‌بینید که این دو ایده را با هم تلفیق می‌کند. حال، او مسیح را دارد که در نصف هفته موقوف می‌شود و ضد مسیحی که در نصف هفته عهد را می‌شکند. همان‌طور که در گذشته نشان دادیم، ما نمی‌توانیم مسیح و ضد مسیح را داشته باشیم که در یک هفته عهد ببندند. این امر در سرتاسر مَهرها صدق می‌کند؛ ضد مسیح با یهودیان عهد می‌بندد و آن را می‌شکند. تنها جایی که این یافت می‌شود، در دانیال ۲۷:۹ است.]

"حال، یک چیز کوچک؛ حال می‌خواهیم یک دقیقه به عقب برویم، به قسمت سه سال و نیم یا هفتادمین هفته‌ی دانیال (نیمه آخر هفتادمین هفته‌ی دانیال که سه سال و

^{۱۱} ۶۳-۰۳۱۸، مَهر اول، برادر ویلیام ماریون برانهام

نیم است... حال، ما... چند این را از زمان اعصار کلیسا به یاد دارند؟ مطمئناً، می‌بینید؟ هفتاد هفته معین شده است: ببینید چه کامل بود؛ او می‌گوید: "و در نصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد."

آنگاه سه سال و نیم زمان از داکترین مسیحایی برای یهودیان باقی می‌ماند، خدا هم زمان به یهودیان و امت‌ها رسیدگی نمی‌کند.^{۱۲}

"و سپس او با یهودیان عهد می‌بندد، در میان این سه سال و نیم، او به محض این که کارش را انجام می‌دهد عهد را خواهد شکست و ثروت یهودیان را متوقف خواهد کرد."^{۱۳}

"برادر برانهام! من متوجه شما شدم. شما در پیغام «اولین مُهر» دارید به هفتادمین هفته‌ی دانیال اشاره می‌کنید. من درک می‌کنم که در کتاب دانیال، (از روی نوار دانیال) انجیل به یهودیان باز خواهد گشت، هفتاد هفته آغاز خواهد شد. آیا یک هفتادم، یعنی یک هفته یا هفت سال برای یهودیان وجود دارد، یا فقط نصف هفته، یعنی یک سه سال و نیم برای آنها؟ بله، فقط یک نصف هفته. عیسی نصف نخست را نبوت کرد که در مورد آن پیشگویی شده بود، فقط نیمی از یک هفته برای آنها باقی مانده است."^{۱۴}

"چه زمانی عهد دانیال ۲۷:۹ برای یک هفته تایید شد؟ یک نیمه‌ی آن تایید شد، عهد، زمانی که عیسی مسیح بر روی زمین بود، برای یهودیان موعظه می‌کرد. او هرگز نزد امت‌ها نرفت. و او به شاگردانش گفت، نزد امت‌ها نروید، او تنها برای یهودیان

^{۱۲} ۶۳-۰۳۱۸، مُهر اول، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۱۳} ۶۳-۰۳۱۸، مُهر اول، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۱۴} ۶۳-۰۳۲۶-M - پرسش و پاسخ درباره‌ی مُهرها، برادر ویلیام ماریون برانهام

آمده بود. می‌بینید؟ و او برای سه سال و نیم موعظه کرد، این نیمی از هفتادمین هفته است، حال، همان‌طور که دانیال گفته بود، انجام خواهد داد. حال به یاد داشته باشید، او کاملاً برای یهودیان به اثبات رسید، اما چشمان آنها کور بود تا فضا برای امت‌ها باز شود. آیا متوجه تمام نقشه می‌شوید؟ می‌بینید؟ او خود را بعنوان یک نبی به اثبات رساند. او دقیقاً کار یک نبی را انجام داد، آیات یک نبی را به آنها نشان داد. کلام به شما می‌گوید، اگر شخصی می‌گوید که روحانی یا یک نبی است، به آنچه می‌گوید دقت کنید و اگر واقع شود، به تحقق آنها ادامه دهید. (این چیزی است که او همیشه گفته است)... همان‌طور که می‌بینید، کتاب مقدس می‌گوید: "در بزیند، تا زمانی که در باز شود. بطبیعت، سوال کنید، بخواهید و به شما داده خواهد شد." ^{۱۵} حال، اگر متوجه شده باشید، او در می‌زند، بطور مداوم در می‌زند، [برای نشان دادن این موضوع، برادر برانهام بارها بر روی منبر می‌زند]. همانجا مانند یک قاضی بی‌انصاف که پاسخ زن را نمی‌دهد، او فقط به در می‌کوبد. او می‌گفت، من طرف تو هستم. بدون اینکه طلب کنید، می‌گویید: "خداوند! می‌خواهم آن را داشته باشم. آمین!" این چنین نیست؛ همانجا بایستید، تا زمانی که آن را دریافت کنید. می‌دانید که آن خواهد آمد. او این چنین وعده داد، بنابراین تا زمانی که آن را بدست آورید، درست همانجا بایستید. می‌بینید؟ حال در بخش آخر، هفته‌ی هفتادم، بخش آخر آن در دوره سختی و رنج خواهد بود، پس از ربودگی کلیسا. سپس سه سال و نیم وجود دارد که توسط دو نبی، (می‌بینید)، موسی و ایلیا برای ایشان معین می‌شود، مکاشفه باب ۱۱. ^{۱۶}

"از آن زمان، به نظر می‌رسد که اولین سه سال و نیم، در طول خدمت عیسی محقق شده است، (خوب، شما آن را در اینجا دارید.) اما به نظر می‌رسد که اصطلاح

^{۱۵} اشاره به انجیل متی ۷:۷ و انجیل لوقا ۹:۱۱

^{۱۶} ۲۳-۲۲۴: M، پرسش و پاسخ درباره‌ی مُهرها، برادر ویلیام ماریون برانهام

نصف هفته، فقط برای ضد مسیح استفاده می‌شود که عهد را می‌شکنند... (نه، این ضد مسیح عهدش را در پایان سه سال و نیم می‌شکند. می‌بینید؟) همان‌طور که من دانیال را درک کردم، اولین شصت و نه روز، زمانی که عیسی در سال ۳۰ بعد از میلاد، وارد اورشلیم شد، پایان یافت. بنابراین آن سه سال و نیم از خدمت او شامل آن شصت و نه هفته خواهد شد. و آخرین هفته‌ی کامل، آخرین هفته‌ی کامل یا هفت سال تحقق خواهد یافت و در زمان ربودگی آغاز خواهد شد. لطفاً این موضوع را برای من روشن سازید. ای برادر! ای خواهر! هرکس که این سوال را پرسیده است! بسیار خوب، آیا متوجه شدید؟ اما من فکر می‌کنم کمی در مورد آنچه گفتیم دچار سوء برداشت شدید. می‌بینید؟ حال، زمانی که عیسی وارد اورشلیم شد (این دقیقاً درست است)، این پایان است... می‌بینید؟ او مستقیماً وارد شهر شد و مصلوب شد.

می‌بینید؟ و او نصف هفتادمین هفته را نبوت کرد، که سه سال و نیم می‌شود. حال، او موقوف شده و جان او قربانی شد. و حال، او خواهد آمد... در این ایام آخر، هنوز سه سال و نیم دیگر به یهودیان وعده داده شده است. و در این زمان مقدسین برای ربودگی گردم هم می‌آیند، کلیسا. حال، برادران و خواهران! قصد ندارم به تمام اینها بپردازم.^{۱۷}

من قصد ندارم که بنویسم برادر برانهام اشتباه کرد یا خودش را نقض کرد. حقیقت این است، من باور دارم که او اشتباه نکرد، اما همچنین نمی‌خواهم سرم را زیر برف کنم. ما همچنین می‌دانیم که او نظر خودش را به ما گفت، که دوره‌ی لائودیکیه پایان خواهد یافت و هفت نبوت او تا سال ۱۹۷۷ تحقق خواهند یافت؛ این اتفاق رخ نداد. او همچنین نظرش را در مورد مارتین لوتر کینگ کوچک که گفته بود میلیون‌ها سیاهپوست به سوی مرگ کشانده می‌شوند، به ما گفت؛ و این اتفاق هم نیفتاد.

^{۱۷} ۶۴-۸۳۰M، پرسش و پاسخ ۳، برادر ویلیام ماریون برانهام

"حال، نمی‌خواهم هیچ‌کس با سوء تفاهم و یا درک غلط از موضوع اینجا را ترک کند. آیا هنوز نوار ضبط می‌شود؟ نمی‌خواهم کسی این را غلط برداشت کند. برداشت اشتباه نکنید و بگویید: "برادر برانهام گفت که عیسی در سال ۱۹۷۷ خواهد آمد." من هرگز چنین چیزی را نگفتم. شاید امروز بیاید. ولی من پیشگویی نمودم که بین سال ۳۳ تا سال ۷۷ باید چیزی رخ بدهد، که این چیزهایی که من در رویا دیدم باید تحقق بیابد." ۱۸

"آیا نبوت کردی که یک میلیون سیاه‌پوست کشته خواهند شد... یا فقط نبوت کردی که این اتفاق خواهد افتاد؟ حال، می‌بینید، من همیشه از شما خواستم مراقب آنچه می‌شنوید، باشید. می‌بینید؟ این فقط یک جنبه‌ی انسانی است. اما همیشه اگر چیزی صادر شود، گفته خواهد شد و آن «خداوند چنین می‌گوید» است، حتی برای رویاها یا هر چیزی." ۱۹

با توجه به چیزی که او گفت، ما قبول می‌کنیم که گفته‌های برادر برانهام تحت الهام و «خداوند چنین می‌گوید» بوده است. وقتی که خدا نی‌اش را به اثبات می‌رساند، به این دلیل است که نشان دهد داکترین او صحیح است، نه اینکه تمام صحبت‌های ضبط شده‌ی او بر روی نوار، «خداوند چنین می‌گوید» است. بنابراین در این قسمت ما شاهد پیشرفت صحبت برادر برانهام در مورد موضوع هفتادمین هفته هستیم.

۱. پیش از آگست سال ۱۹۶۱،^{۲۰} او گفت که مسیح به مدت سه سال و نیم برای یهودیان نبوت کرد. او در نصف هفته موقوف شد و هنوز سه سال و نیم زمان برای

^{۱۸} ۰۸۰۶-۶۱، هفتادمین هفته‌ی دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۱۹} ۰۷۲۱-۶۳، او اهمیت می‌دهد، آیا شما اهمیت می‌دهید؟، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۰} تابستان ۱۳۴۰ خورشیدی

- یهودیان باقی مانده است.
۲. در آگست سال ۱۹۶۱، او به ما تعلیم می‌دهد تا زمان مسیح رئیس و موقوف شدن او ۶۹ هفته باقی مانده است. ضد مسیح به مدت یک هفته با یهودیان عهد می‌بندد و در نصف هفته آن عهد را می‌شکند.
 ۳. در آگست سال ۱۹۶۱، او به ما می‌گوید که روح‌القدس او را هدایت کرد تا بنویسد زمانی که هفته هفتم آغاز می‌شود، کلیسا خواهد رفت. بدین معنی که، یک هفته کامل زمان برای یهودیان باقی خواهد ماند.
 ۴. در ژانویه سال ۱۹۶۳، و سپس در ماه مارچ ۱۹۶۳،^{۲۱} او بار دیگر گفت که عیسی برای سه سال و نیم نبوت کرد و در نصف هفته موقوف شد. سپس خدا باز خواهد گشت و برای مدت سه سال و نیم به یهودیان رسیدگی خواهد کرد.
 ۵. در مارچ سال ۱۹۶۳، او گفت که ضد مسیح با یهودیان عهد خواهد بست و در یک پرسش و پاسخ او می‌گوید که مسیح برای یک هفته با یهودیان عهد می‌بندد و در نصف هفته موقوف می‌شود.
 ۶. در مارچ سال ۱۹۶۳، از او در مورد این به ظاهر تناقض سوال پرسیده می‌شود، و او پاسخ می‌دهد: "یک نصف هفته، زمان برای یهودیان باقی مانده است."
 ۷. در آگست سال ۱۹۶۴،^{۲۲} از او پرسیده شد: "هنگامی که شما در این مورد موعظه کردید، گفتید زمانی که عیسی سوار بر یک الاغ وارد اورشلیم شد، ۶۹ هفته تحقق یافت و این که هفت سال آخر از ربودگی آغاز خواهد شد؟" پاسخ او چنین بود، "شما اشتباه درک کرده‌اید." و سپس تعلیم سه سال و نیم باقی مانده را تکرار می‌کند.

^{۲۱} زمستان ۱۳۴۱ خورشیدی

^{۲۲} تابستان ۱۳۴۳ خورشیدی

این امر واضح است که برادر برانهام فراموش کرده بود که در مجموعه موعظه‌های «هفتادمین هفته‌ی دانیال» چه چیزی را تعلیم داده بود. برادر برانهام مدعی است که تعالیمش در موردش هفت مُهر تحت الهام بوده و من این را باور دارم. اکثر ایمانداران پیغام می‌گویند: "خوب، از آنجایی که در این مورد سردرگمی وجود دارد، ما با آنچه برادر برانهام پس از باز شدن مُهرها گفت، همراه خواهیم شد. و این امر واضح است که او گفت سه سال و نیم باقی مانده است." بنابراین ما به آن ایمان داریم. سؤالاتی که در نتیجه‌ی این طرز فکر پیش می‌آیند، عبارتند از:

۱. چرا برادر برانهام مدعی شد که روح‌القدس او را هدایت کرد تا بنویسد: "لحظه‌ای که هفته‌ی هفتادم آغاز شود، کلیسا خواهد رفت؟"
۲. «او» که در دانیال ۲۷:۹ در موردش صحبت می‌شود، کیست؟ اگر «مسیح رئیس» است، آنگاه تعلیمی را که ضد مسیح با یهودیان عهد می‌بندد، کجای کتاب مقدس بیابیم؟
۳. چرا برادر برانهام در طول مجموعه‌ی مکاشفه‌ی هفت مُهر می‌گوید که عیسی با یهودیان عهد بست و ضد مسیح با یهودیان عهد بست، آیا هر دو آنها بر اساس دانیال ۲۷:۹ هستند؟

برخی از ایمانداران پیغام می‌گویند: "زمانی که برادر برانهام مستقیماً در مورد این موضوع به ما تعلیم داد، او به ما گفت که یک هفته زمان برای یهودیان باقی مانده است. ضد مسیح برای یک هفته با یهودیان عهد می‌بندد و روزی که ۶۹ هفته تکمیل شد، زمانی بود که عیسی وارد اورشلیم شد. او همچنین مدعی می‌شود که روح‌القدس آن را به او نشان داده است. ما مکاشفه‌ی هفت مُهر را پذیرفته، ایمان داریم و معتقدیم که از الهام روح است. او در طول موعظت مُهرها ادعا نکرد که تعالیمش در مورد هفتاد هفته تحت الهام روح بود، بلکه تفسیر مُهرها تحت الهام روح بود. در همین زمان، او مدعی

شد که تفسیر هفتاد هفته او نیز تحت الهام روح بود. "سؤالاتی که در نتیجه‌ی این طرز فکر پیش آمد، چنین است:

۱. آیا می‌گویید که برادر برانهام در داکترین خود اشتباه کرده است؟
۲. چرا او بارها و بارها در طول موعظات مُهرها تعلیم داد که سه سال و نیم زمان برای یهودیان باقی مانده است؟

نتیجه‌گیری

هر کدام از این نظرات در چارچوب پیغام، دارای مشکلات خود هستند. دیدگاه سه سال و نیم، انتخاب می‌کند که کل مجموعه‌ی موعظه شده توسط نبی را نادیده بگیرد. دیدگاه یک هفته، انتخاب می‌کند که آنچه نبی در مورد این موضوع خاص در موعظات مُهرها گفته است را نادیده بگیرد، یا به نوعی آن را دوباره تفسیر می‌کند. هر دو طرف نیز دلایل خوبی برای نگهداشتن نظرشان دارند. سؤالاتی که هر یک از ما باید پاسخ دهیم، این است:

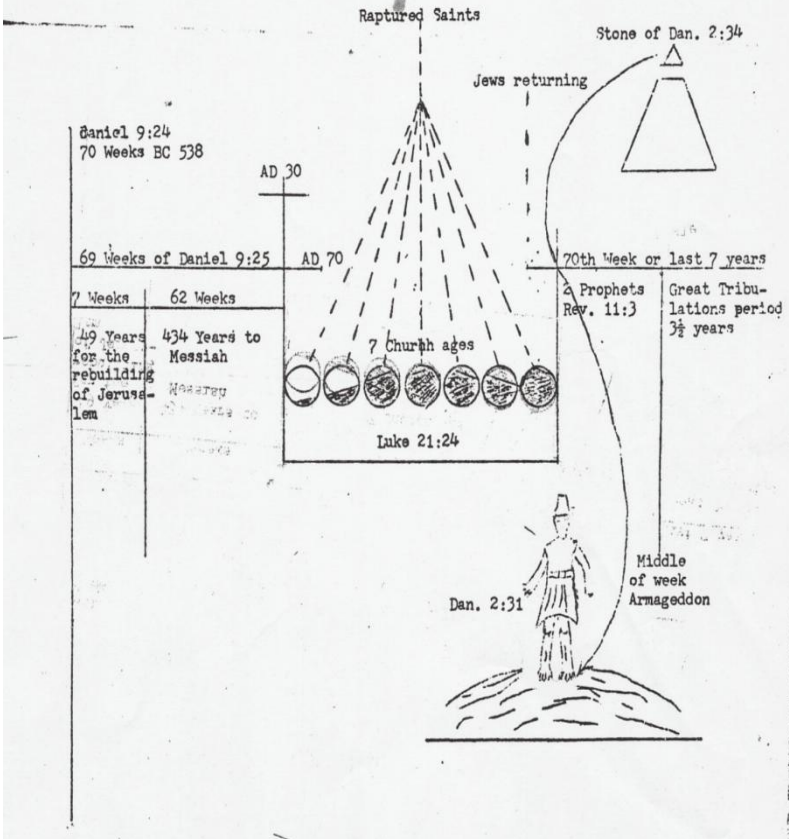
آیا این امر مرا نسبت به کلام خدا وفادار نگاه می‌دارد؟ آیا قلب من در تمامی اینها به نجات دهنده‌ام متصل است؟ آیا در ایمان به خدا و کلامش مانده‌ام؟

به نظر من، بر اساس کلام خدا، یک هفته برای یهودیان باقی مانده است. من این دیدگاه را به دلیل اثباتش در کتاب مقدس می‌پذیرم و اینکه برادر برانهام گفت که روح القدس او را هدایت کرد تا آن را بنویسد. در بخش زیر شما جدولی را می‌یابید که برادر برانهام در طول موعظه‌ی هفتادمین هفته‌ی دانیال ترسیم کرده بود. برادر برانهام در موعظه‌ی هفتادمین هفته‌ی دانیال به این جدول اشاره می‌کند: "اگر به این جدول توجه

کنید، من دوره‌ی کلیسا را مابین آن هفتاد هفته دارم." من نمی‌توانم موضوعی را که برادر برانهام مستقیماً در موردش تعلیم داده است، نادیده بگیرم. او توسط روح‌القدس هدایت شد تا آن پیغام را موعظه کند. او همچنین توسط روح‌القدس هدایت شد تا هفت مَهر را موعظه کند، و تفسیر او از هفت مَهر کاملاً و دقیقاً اثبات شده است. من با تمام قلبم به آن ایمان دارم. چیزهایی که او در مورد سه سال و نیم باقی مانده برای یهودیان گفت، احتمالاً به دلیل فراموشی بوده است، شاید توضیح دیگری وجود داشته باشد. من به صحبت‌های او اشاره می‌کنم: "من همیشه از شما خواستم مراقب آن چیزی که می‌شنوید، باشید. می‌بینید؟ بسیاری از چیزها هست که از جنبه‌ی انسانی می‌آید." استدلال دیگری که می‌توانیم بیاوریم، این است که این برداشت صحیح است؛ سه سال و نیم زمان برای خدا باقی است که از طریق دو شاهدش با یهودیان عهد ببندد و ۱۴۴ هزار نفر را به بیرون فراخواند. سپس در پایان سه سال و نیم، دو شاهد کشته خواهند شد و خدا کارش را با یهودیان به اتمام خواهد رساند. در این زمان، ضد مسیح عهدش را شکسته و شروع به جفا رساندن و شکار ایمانداران یهودی و باکره‌های نادان می‌کند. این صحیح است که سه سال و نیم زمان برای یهودیان باقی مانده که خدمت عیسی مسیح را دریافت کنند. و این نیز صحیح است که هفت سال از هفتاد هفته باقی مانده است.

بنابراین، ما باید به کلام و هدایت روح‌القدس بر زندگی‌مان تکیه کنیم. من نمی‌خواهم با همه مشاجره و بحث کنم. شمایی که این مقاله را می‌خوانید! شما را سوگند می‌دهم که در این مورد با برادران خود نجنگید. دعا کنید، تحقیق کنید، مطالعه کنید و مکاشفهی کلام خدا را برای خود دریافت کنید. آنگاه آن مکاشفه در زندگی شخصی شما توسط محبت، مهربانی و صبر نسبت به برادرانتان مشهود خواهد شد.

CHART OF DANIEL'S SEVENTY WEEKS AS DRAWN
by
BROTHER WILLIAM BRANHAM



پیش وجودی پسر خدا

داکترین لوگوس، کلید درک درست الوهیت است. از لحاظ تاریخی، زمانی که آن از مکاشفه نخستین خود منحرف شد، اسقفان کلیسا شخص دوم را در الوهیت ایجاد کردند. زمانی که این موضوع به درستی درک شود، یگانگی خدا، خداوند عیسی مسیح به درستی بعنوان پسر خدا درک می‌شود. دیدگاه «آرانسیم یا شاهدین یهوه» این است که پسر خدا پیش از تولد جسمانی‌اش بعنوان یک فرشته یا عاملی از آفرینش وجود داشته است و اینکه او از خود خدا کمتر بود. این بدین معنی است که لوگوس پایین‌تر از خدا بود و لوگوس پسر خدا بود. سپس پسر خدا تغییر شکل داد و از وجودی که در مرحله‌ی پیش از تجلی بود، تجسم یافت.

نکات بسیاری در مورد این دیدگاه وجود دارد که باید در نظر گرفت. در یوحنا ۱:۱ و اول یوحنا ۱:۱-۲ از لوگوس بعنوان خدا اشاره شده‌اند و در مورد اول یوحنا ۱:۱-۲، «کلمه‌ی حیات» نزد پدر بود. اگر این مجموعه واژه‌ها را دریافت کرده و ترکیب کنیم، می‌بینیم که کلمه نزد پدر بود و کلمه خود پدر بود. لوگوس اصلاً از خدا کمتر نیست، او بخشی از وجود خود را ظاهر ساخت تا برای مخلوقانش قابل مشاهده باشد. همان کلمه‌ای که در حالت ملک‌یصدق و ستون آتش آمد، بر رود اردن نازل شد و وارد خداوند عیسی مسیح شد. و همان لوگوس که روزی یک مرد را مسح کرد، حال بسیاری از اعضای عروس را مسح می‌کند. این تعلیم روشن و دقیق برادر برانهام در انتهای خدمتش است، زمانی که مکاشفه‌اش بطور کامل رشد یافته بود. همان‌طور که برادر برانهام گفت: "از زمان گشایش آن هفت مَهر، توسط فرشتگانی که پشت کوه بودند، این یک کتاب جدید شده است." می‌خواهم یک توضیح کوتاه در مورد این روند پیشرفتی بدهم تا به وضوح درک شود.

۱. ۱۹۵۰، «خدا کیست؟» و ۱۹۵۳، «پرسش و پاسخ در مورد پیدایش»: لوگوسی که از خدا صادر شد پسر خدا بود، حال شما دوتا را دارید، «آدم را بسازیم» پدر و پسر است.^{۲۳}

۲. ۱۹۵۷، «عبرانیان باب یک و چهار»: از خدا کلمه صادر شد، یا تئوفانی که به شباهت انسان بود و پیش نمایش پسر خدا خوانده شد. این تنها شکل دیدنی بود که روح داشت.

۳. ۱۹۵۹، «یک نشانه‌ی عالی»: خدا فرشتگانش را نزد خود فراخواند و گفت: "بسازیم."

۴. ۱۹۶۴، «پرسش و پاسخ»: صدای نشانه، ستون آتش، لوگوس، خدا، پدری که فرزندان اسرائیل را رهبری کرد، او در حالت کبوتر نازل شد و بر عیسی تابید. لوگوس درون و بر عیسی قرار داشت.

۵. ۱۹۶۴، «پرسش و پاسخ»: پدر بر فراز بره خواهد بود، او لوگوس، خدا و نور عظیم است...

من معتقد نیستم که این‌ها افکار متضادی هستند، بلکه مکاشفه‌ای است که در حال واضح‌تر شدن است. افکار پیوسته‌ای که او در سال ۱۹۵۷ بیان می‌کند، می‌گوید لوگوس در حالت یک انسان بود و پسر خدا خوانده می‌شد، از پیش تصور شده؛ از پیش نشان دادن به معنای این است که قبل از آنکه وجود داشته باشد، نشان داده شود. ما قطعاً می‌دانیم حیات پسر خدا و تمام پسران خدا تا ابد در خدا قرار دارد. چون ما می‌دانیم که عیسی از تئوفانی خود گذر نکرد، ما می‌دانیم که همین حیات پسر خدا بود که آمده و در لوگوس بود، سپس در پُری زمان، از لوگوس صادر شد و در بیت‌الحم تولد یافت. سپس آن لوگوس بر او قرار گرفت و در رود اردن در او ساکن شد. بیایید به کتاب مقدس، پیغام و شواهد تاریخی نگاه کنیم که نشان می‌دهد عیسی مسیح بعنوان یک انسان متمایز در بیت‌الحم به دنیا آمد.

^{۲۳} اشاره به پیدایش ۱:۳۶

منابع کتاب مقدسی

"مریم به فرشته گفت، این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناختم؟ فرشته در جواب وی گفت، روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد." لوقا ۱: ۳۴-۳۵

به جمله بندی فرشته‌ی خداوند با دقت نگاه کنید. در پاسخ به سوال مریم، او می‌گوید که روح القدس بر تو خواهد آمد تا فرزند آوری. سپس این را می‌گوید: "از آن جهت آن... پسر خدا خوانده خواهد شد." «از آن جهت» به معنای «به این دلیل» یا «به خاطر این حقیقت» است. به خاطر این حقیقت روح القدس بر تو سایه خواهد افکند، او پسر خدا خوانده خواهد شد. به دلیل از پیش مجسم بودن نبود که او فرزند خدا خوانده می‌شود؛ به این دلیل نیست که او بعنوان شخص دوم تثلیث ابدی وجود داشته است، یا اینکه پیش از تولدش در آسمان وجود داشته است، بلکه به این دلیل که سایه‌ی روح القدس بر مریم افکنده شد. ما به معنای واقعی کلمه می‌توانیم بگوییم علت اینکه او پسر خداست، به این دلیل است که روح القدس بدنی را آفرید، در آن بدن کوچک حیات قرار داد و آن را در رحم مریم گذاشت. این منبای فرزندگی او است.

"اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند." متی ۱: ۱۸

کلمه‌ی «ولادت» در این آیه از کلمه‌ی یونانی «پیدایش» می‌آید. ولادت یا «آغاز» عیسی مسیح بدین طریق بود... مریم... او از روح القدس حامله شد. هیچ چیزی در مورد تولد عیسی در آسمان پیش از آفرینش وجود ندارد.

"فرمان را اعلام می‌کنم، خداوند به من گفته است، تو پسر من هستی، امروز تو را

تولید کردم." مزامیر ۷:۲

در این آیه می‌بینیم که تولد عیسی مسیح در ابدیت یا پیش از آفرینش نبوده، بلکه در یک روز خاص در تاریخ بوده است. "من امروز تو را تولید نمودم." پولس این آیه را برای تولد و قیام عیسی بکار می‌برد. (اعمال رسولان ۱۳:۳۳ را بخوانید).

"لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد." غلاطیان ۴:۴

ما شاهد هستیم که پسری از یک زن «زاییده شد». کلمه‌ی «زاییده شدن» در زبان یونانی «ginomai» و به معنای «تولید کردن» است، این به معنای (انعکاسی) و (بوجود آمدن) است. بنابراین پسر از طریق یک زن وجود یافت. و آن رسول بار دیگر می‌نویسد که او "زیر شریعت متولد شد." برخی ممکن است استدلال کنند که بله، این می‌گوید که او از طریق یک زن و زیر شریعت وارد هستی شد، اما می‌گوید که پسر خود را فرستاد، بنابراین یک وجود قبلی را نشان می‌دهد. یک بخش از آیه نمی‌تواند بخش دیگر آن را تخریب کند. تنها یک فکر با تصورات قبلی می‌تواند وارد چنین گمانه‌زنی شود. او از طریق یک زن، در زیر شریعت وجود یافت. او در به کمال رسیدن زمان، فرستاده شد. کلمات «فرستاده شده» به معنای «اعزام کردن یا به مأموریت فرستادن» است. این اتفاق زمانی افتاد که او در رود اردن مسح شد و خدمت خود را برای به اتمام رساندن کار نجات آغاز کرد. عبارت «از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد» یک توضیح یا بخشی برای توصیف آیه است. پس با توجه به این عقیده: "لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد، تا آنانی را که زیر شریعت باشند، فدیة کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم..."

۱. عیسی پسر خداست، چون روح القدس بر مریم سایه افکند.
۲. تولد عیسی مسیح، زمانی بود که مریم از روح القدس حامله شد.
۳. پسر در روز خاصی از زمان تولید شد.
۴. پسر از طریق یک زن و زیر شریعت وجود یافت.

برادر برانهام چه گفت؟

حال بیابید چندی از افکار برادر برانهام را بررسی کنیم که احتمالاً می‌تواند این موضوع را بیشتر روشن سازد. می‌دانم مراجع زیادی وجود دارند که می‌توانیم به آنها نگاه بیندازیم، لیکن اینجا فقط گزینه‌ای از آن نقل قول‌ها هستند که ما می‌توانیم در مورد این موضوع بیابیم.

"خون مقدس که توسط خدا خلق شد؛ خون، حیات، آفرینش خدا. عیسی ابتدای خلقت خدا بود. آه، آیا درک می‌کنید؟ خدا، در آفرینش خلق کرد. او روح بود. کتاب مقدس می‌گوید که او آغاز خلقت خداست. او چطور آغاز شد؟ در رحم یک زن." ^{۲۴}

"همان‌طور که معتقد هستیم، زمانی که عیسی در عهد عتیق آشکار شد... حال، شما واعظین، شما می‌توانید در موردش مشاجره کنید، هرکاری می‌خواهید بکنید، اما من از چیزی سخن می‌گویم که در موردش فکر می‌کنم. می‌بینید؟ زمانی که عیسی در یک تئوفانی در عهد عتیق آشکار شد، در شخص ملک‌یصدق، نه یک کاهن، بلکه یک شخص، یک انسان... می‌بینید؟ زیرا که این مرد هنوز تولد نیافته بود، اما او در تئوفانی

^{۲۴} ۶۷-۸۰، خانه‌ی آینده‌ی داماد آسمانی و عروس زمینی، برادر ویلیام ماریون برانهام

بود، بنابراین او پدر و مادری نداشت. او خود خدا بود. او در حالت مردی به نام پادشاه سالم، که پادشاه عدالت و سلامتی بود، شکل گرفت. می‌بینید؟ او ملک‌یصدق بود. او پدر و مادر نداشت، او شروع و انقضایی نداشت. می‌بینید؟ او عیسی در توفانی، در حالت یک انسان بود. آیا درک می‌کنید؟ بسیار خوب.^{۲۵}

"حال، زمانی که آیه‌ی بعد را می‌خوانیم، توجه کنید. نخست، تفسیر اسم او پادشاه عدالت است. هنوز نمی‌خواهم این آیه را بخوانم. آیه‌ی سوم، بدون ابتدای ایام و انتهای حیات... بلکه به شبیه پسر خدا شده. حال او پسر خدا نبود، اگر او پسر خدا بود، او دارای ابتدا می‌بود. و این مرد دارایی ابتدا نبود. اگر او پسر بود، باید پدر و مادر می‌داشت. و این مرد هیچ کدام از آنها را نداشت. لیکن به شباهت پسر خدا شده... کاهن دائمی می‌ماند."^{۲۶}

۱. شروع عیسی در رحم یک باکره بود.
۲. عیسی هنوز تولد نیافته بود، لیکن او در توفانی در حالت ملک‌یصدق آشکار شد.
۳. ملک‌یصدق پسر خدا نبود، چون او دارای ابتدا نبود و عیسی دارای ابتدا بود.

بسیار خوب، بیایید این تصویر را کنار هم بگذاریم. ملک‌یصدق پسر خدا نبود، چون او دارای ابتدا نبود و عیسی دارای ابتدا بود. با این حال عیسی در ملک‌یصدق آشکار شد. به همین دلیل است که کتاب مقدس می‌گوید ملک‌یصدق به شباهت پسر خدا شد. در واقع ملک‌یصدق آن چیزی را آشکار ساخت که پسر خدا در آینده بعنوان پادشاه-کاهن آشکار می‌ساخت. حتی علاوه بر این، این خود توفانی عیسی بود که بعنوان ملک‌یصدق آشکار شد، اگرچه عیسی هنوز به دنیا نیامده بود. مهم است که کل تصویری که در اینجا توسط کتاب مقدس و برادر

^{۲۵} ۶۵-۸۲۲، مسیح در کلامش آشکار شده است، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۶} E۰۹۱۵-۵۷، عبرانیان باب هفت، برادر ویلیام ماریون برانهام

برانهام رسم می‌شود را دریافت کنیم تا بتوانیم تمام حقیقت را ببینیم. ما نمی‌توانیم یک نقل قول را برداشته و با آن به جنگ نقل قول دیگری برویم. کل تصویر، حقیقت امر را نشان می‌دهد.

نگاهی به تاریخ

بیاید برخی از دیدگاه‌های تاریخی یهودیان را به این موضوع اضافه کنیم. این امر، جهان فکری را که در زمان نوشته‌های رسولان وجود داشته، نشان می‌دهد. رسولان در این جهان فکری غوطه‌ور بودند. درک و تعلیم آنها در مورد خواستگاه مسیح با ربی‌هایی که در آن زمان بودند، مطابقت داشت. آنها یهودی بودند و مانند یهودیان فکر می‌کردند. الگوی فکری آنها یهودی و در کتاب مقدس غوطه‌ور بود. آنها دو چیز را مد نظر داشتند: خدا واحد است و ناموجودات را به وجود می‌خواند. آنها هیچ اطلاعی از سه شخص خدا نداشتند، بلکه خدای تقسیم نشده را می‌شناختند. افکار خدا حقیقی است و مملو از حیات است، حتی قبل از آن که وارد برهه‌ی زمان و فضا شوند.

"این باور عمومی بود که فرستادن مسیح بخشی از برنامه‌ی خالق در ابتدای جهان بود. هفت چیز پیش از آفرینش دنیا آفریده شدند: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، تخت جلال، هیکل و نام مسیح." (پسیکتا رباتی ۵۴a) در کار بعدی مشاهده می‌شود: از ابتدای آفرینش دنیا مسیح پادشاه تولد یافت، زیرا وارد ذهن (خدا) شد، پیش از آن که دنیا آفریده شود. (پسیکتا رباتی ۱۵۲b) ^{۲۷}

این دیدگاه آنها در مورد «پیش وجود» بود و من به آنچه که پولس و یوحنا هنگام

^{۲۷} Pesikta Rabbati مجموعه تفاسیری از کتاب مقدس که از زبان عبری به انگلیسی ترجمه شده

نوشتن در قلب خود مخفی داشتند، ایمان دارم. "این است آنکه من درباره او گفتم که مردی بعد از من می‌آید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود." ^{۲۸} و "و او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده‌ی تمامی آفریدگان." ^{۲۹} آنها که تحت الهام روح و رسالات نوشتند، درک کردند که عیسی پیش از زمان متولد شد، زمانی که وارد ذهن-نقشه خدا شد. مسیح در ذهن خدا پیش از بنیاد عالم آفریده شد و او انسان کامل خدا بود. همه چیز به واسطه‌ی این انسان کامل ساخته شد، او که هنوز فکری در ذهن خالق بود. این درک یهودی گم شد و به این ترتیب فلسفه‌ی تثلیث شخصیت‌ها وارد شد. یونانی‌ها این آیات را از نظر شخص دومی که «پیش وجود» دارد درک کردند، درحالی‌که رسولانی که آن کلمات را نوشته بودند، می‌دانستند که دارند به آن فکر برجسته و هدف مسیح خدا اشاره می‌کنند.

پولس گفت که «ناموجودات را به وجود فرامی‌خواند». تفسیر دیگری از آیه این است که «نیستی‌ها را به هستی فرامی‌خواند». افکار خدا حقیقی هستند. آنها در خود دارای حیات هستند، حتی زمانی که آنها هنوز آشکار یا صادر نشده‌اند. زیرا همه چیز توسط خدا و از طریق مسیح ساخته شد، او در ذهن خدا پیش از بنیاد عالم تولد یافت. این یک تضاد نیست که بگوییم مسیح همه چیز را آفرید، در صورتی که در واقعیت در زمان آفرینش دنیا، او هنوز تولد نیافته بود. او تنها در نقشه و ذهن خدا پیش از بنیاد عالم تولد یافته بود.

برخی ممکن است بگویند عیسی، کلمه‌ی یوحنا ۱:۱ است. برادر برانهام گفت که اگر شما کلمه را شخص مجزایی از خدا بسازید، شما او را یکی از سه خواهید ساخت. [مسیح در کلامش آشکار شده است.] می‌خواهم نگاه نزدیک‌تری به این مسئله بیندازم.

^{۲۸} انجیل یوحنا ۱:۱۵
^{۲۹} کولسیان ۱:۱۵

در فرهنگ لغت بریتانیکا، «کلمه» به زبان یونانی یعنی «کلمه»، «علت» و «نقشه». در فلسفه و الهیات یونانی، «کلمه» علت الهی است که به کیهان نظم می‌دهد و به آن شکل و معنی می‌دهد. لوگوس به معنای واقعی کلمه، می‌تواند به معنای نقشه‌ی الهی باشد. ما می‌توانیم یوحنا ۱:۱-۳ و ۱۴ را این چنین ترجمه کنیم: "در ابتدا نقشه‌ی الهی بود و این نقشه‌ی الهی با خدا بود و آن نقشه الهی، خدا بود. همان در ابتدا با خدا بود. در آن حیات بود و حیات نور انسان بود. نقشه‌ی الهی جسم گردید و در میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته‌ی پسر یگانه‌ی پدر."

نقشه‌ی الهی عظیم پیش از تجسم با خدا بود و خود خدا بود. مکاشفه‌ی خدا، خود خداست و شما نمی‌توانید خدا را از مکاشفه‌ی شخصی و نقشه‌اش جدا سازید. نقشه‌ی خدا، او و ذاتش و صفات نادیدنی‌اش را آشکار می‌سازد. این نقشه‌ی الهی جسم گردید. یعنی زمانی که پسر به دنیا آمد (هستی یافت)، آن نقشه جسم گردید. تمامی نبوت‌ها در مورد مسیح و آنچه خدا در برنامه‌اش داشت تا از طریق مسیح انجام دهد، جسم پوشید. نبوت‌ها دقیقاً به وقوع پیوستند. این یک شخص دوم دارای پیش وجود نیست، بلکه یک نقشه‌ی الهی یا نبوت‌های جسم پوشیده می‌باشد.

ما در عبرانیان ۱:۲-۳ می‌خوانیم که پسر فروغ جلال پدرش بود و خاتم جوهرش بوده و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. ما باید درک کنیم که این کل متن کتاب مقدس است. پسر دارای یک ابتدا در رحم یک باکره بود، لیکن او کلمه‌ای بود که در ابتدا تولید شد. تجلی خدا برای پسری بود که هنوز تولد نیافته بود. در کولسیان ۱:۱۵-۱۷ چیزی بسیار مشابه را می‌خوانیم. پسر دلیل و هدف آفرینش است؛ خدا قصد داشت خودش را از طریق پسر نشان دهد و سپس از طریق عروس و آنگاه همه آنها را گرد هم آورده و در باغ عدن احیا کند. برادر برانهم از فیلیپیان ۲:۵-۱۰ برای نشان دادن این که خدا عینیت خود را از حالت روح به جسم تغییر داده، استفاده کرد.

در یوحنا ۵:۱۷ عیسی برای جلالی که پیش از بنیاد عالم داشت، دعا می‌کند و در یوحنا ۲۲:۱۷ می‌گوید جلالی که به عیسی داده شد، به ایمانداران نیز داده شده است. عیسی مسیح پیش از بنیاد عالم معین شده بود و عروس نیز به همچنین.

عروس در داماد برگزیده شده است؛ آنها در ذهن خدا یک بودند. همان کلمه‌ای که داماد را نشان می‌دهد، عروس را نیز نشان می‌دهد.

نتیجه گیری

ما در این تعلیم پیشرفت فکری برادر برانهام را می‌بینیم. در انتها شاهد آن هستیم که پسر قبل از بیت لحم تقدم وجود نداشته، بلکه در ملک‌یصدق به تصویر کشیده شده بود و حیات او در آن تئوفانی نشان داده شد. آن حیاتی که در آن تئوفانی بود، تبدیل به یک انسان شده و ستون آتش نازل شد و در تعمیدش در او ساکن شد.

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries
P. O. Box: ۳۴
Hopkins, MN ۵۵۳۴۳